

بررسی دیدگاه های بنیادگرایی یهودی و احزاب اسرائیل در موضوع دولت مستقل فلسطینی

دکتر عبدالرحمان حسنی فر^۱ - زهرا طاهرخانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۳۱

چکیده:

مقاله حاضر در جهت شناخت یکی از مهمترین مسائل خاورمیانه، که موضوع فلسطین و تشکیل دولت فلسطینی و بررسی یکی از ریشه های به وجود آورنده بحران منطقه خاورمیانه، که همان بنیادگرایی یهودی و نوع نگاه و دیدگاه های خاص آنان به سرزمین فلسطین می باشد بیش از ۶۰ سال است که منطقه خاورمیانه را با بحران مواجه نموده است. در این میان توجه به آراء و اندیشه های موسسین و بنیان گذاران این رژیم در پیدایش مناقشه مزبور و شدت بخشیدن به آن از اهمیت خاصی برخوردار است، نوشتار حاضر در پی پاسخگویی به این سوال می باشد که دیدگاه های احزاب و بنیادگرایان یهودی چه تاثیری بر شکل گیری دولت مستقل فلسطینی دارد و فرضیه ای که آن را به آزمون می گذاریم این است که احزاب و بنیادگرایان یهودی به دلیل اعتقاد و تعلق ذاتی به کل سرزمین فلسطین و مخالفت با واگذاری بخشی از آن به فلسطینی ها، شکل گیری دولت فلسطینی را با چالش های عدیده ای مواجه نموده است.

واژگان کلیدی: صهیونیسم، بنیاد گرایی یهودی، احزاب، فلسطین

□ - استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان، قزوین، ایران
hassanifar@yahoo.com

□ - فارغ التحصیل کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان، قزوین، ایران

zahra_t3016@yahoo.com

مقدمه:

کلمه بنیادگرایی مشتق از کلمه فندامنتالیسم به معنای شالوده و اساسی است. معادل این واژه در زبان عربی الاصولیه است که به معنای بازگشت به اصول و مبانی می باشد. این واژه برای نخستین بار در اوایل قرن ۲۰ و در مباحث درون مذهبی پروتستان در آمریکا رواج یافت. بین سال‌های ۱۹۱۵-۱۹۱۰ پروتستان‌های کلیسای انجیلی مبادرت به انتشار جزواتی به عنوان مبانی کردند، که در آنها به حقیقت نص کتاب مقدس در برابر تفسیرهای جدید تاکید شده بود و به دفاع از بعضی اصول مسلم مسیحیت پرداختند، اصولی مثل، هبوط انسان، عصمت حضرت مسیح، عصمت کتاب مقدس یا انجیل تعریف شده و برخی موارد دیگر. با گسترش جریان‌های دینی در نیمه دوم قرن ۲۰ واژه بنیادگرایی کاربرد گسترده‌ای یافت و در مورد جریان‌های فکری و دینی تمام مذاهب به کار گرفته شد. از این رو این مفهوم برای توصیف آن دسته از گروه‌های دینی به کار می‌رود که خواهان زندگی بر اساس مبانی و اصول دینی بودند. در حقیقت بنیادگرایی مذهبی نوعی حرکت یا برنامه سیاسی به شمار می‌آید که نه تنها به حقانیت نص کتب مقدس ایمان دارد مدعی لزوم بازسازی جامعه و روابط اجتماعی بر پایه آن است. از این منظر باید گفت که جریان‌های مذکور جهت‌گیری سیاسی و اجتماعی پیدا کردند و آن چه از این جریان‌ها را بهم پیوند می‌زند پرداختن به «اصول و مبانی» و حقیقت مطلق دینی است. در این میان بنیادگرایی یهودی با تکیه به آموزه‌های دینی خود در کتاب مقدس خود تورات در جهت توجیه کردن رجعت به گذشته و بسط مفهوم بنیادگرایی یهودی می‌باشد.

برای درک بهتر بنیاد گرایی یهودی باید به درک ماهیت صهیونیسم بپردازیم.

جمعی از یهودیان ایجاد ساختار حکومتی بر اساس تعالیم کتاب آسمانی تورات و اصول عقاید دین یهود را رسالت خویش می‌دانند.

حال این سوال مطرح است که چرا از یهودیت سیاسی به نام صهیونیسم یاد می شود؟ عنوان صهیونیسم از نام تپه ای در نزدیکی شهر بیت المقدس معروف به صهیون (صهیون در زبان عبری، به معنای پر آفتاب) اخذ شده است. تپه صهیون یکی از اماکن مقدس یهودیان است؛ این کوه سنبل یهودیت است، همانگونه که کعبه سنبل اسلام است. بنیادگرایی مذهبی در اسرائیل یک شبیح موهوم و خیالی نیست، یک واقعیت آشکار و قوی است؛ نه فقط خاخام ها و طلاب یشیوا بنیادگرایند، که در درون دولت و برنامه های رسمی رژیم اسرائیل بنیادگرایی حضوری قوی و تعیین کننده دارد؛ به عنوان مثال اداره محیط زیست اسرائیل در پی تکمیل کلکسیون حیوانات کشتی نوح است؛ چرا که بر مبنای تعالیم تورات این کشتی در ارض کنعان به زمین نشسته است و باید تمام حیواناتی که بر عرشه کشتی نوح حضور داشتند اکنون نیز در کنعان یافت شوند تا آموزه هایی از تورات راست از آب دربیاید.

اداره دیگری پروژه پرخرج «گوساله سرخ» را پیگیری می کند تا به کمک علم ژنتیک گوساله ای سرخ و با خصوصیات منحصربه فرد پدید آورد که علامتی از علائم آخرالزمان یهودی است. نمونه ای از این دست بسیار است.

بنیادگرایی یهودی

بنیادگرایی پدیده ای است که دامان بسیاری از ادیان و آیین ها را گرفته است. دین یهود نیز از این آفت و عارضه مصون نمانده است. ظهور یک دولت افراطی در اسرائیل نماد بارز این عارضه است. (سعیدی، ۱۳۶۱: ۱۰)

یکی از دلایل نامگذاری مکتب سیاسی یهود بر مبنای نام صیون یا صهیون اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان بر بلندای کوه صهیون و تشکیل حکومت جهانی توسط اوست گروهی از یهودیان با سوء استفاده از این سنبل تلاش می کنند به نظام خویش مشروعیت بخشند. (www.mouood.ovg)

کوه صهیون زادگاه و آرامگاه داوود پیامبر (ع) و جایگاه سلیمان(ع) بود. گاه این واژه نزد یهودیان به معنای شهر مقدس، شهر برگزیده، شهر آسمانی به کار می‌رود. ولی در متون دینی، صهیون به آرمان و آرزوی ملت یهود برای بازگشت به سرزمین داوود (ع) و سلیمان(ع) و تجدید دولت یهود اشاره دارد. (پیرنانی، ۱۳۸۲: ۷۵)

صهیونیسم بر آموزه‌های تحریف شده تورات و تلمود بنیان نهاده شده است. در زیر به بعضی از آیات وعده داده شده و نژادپرستانه تورات تحریف شده اشاره می‌شود تا بیشتر به موضوع بنیادگرایی یهودی دست پیدا نماییم.

درباره صهیون گفته می‌شود که تمام اقوام جهان به آن تعلق دارند و خدای قادر مطلق آن را نیرومند می‌گرداند. خداوند آمار تمام مردم را تهیه می‌کند و همه آنها را اهل اورشلیم می‌شمارد. آنها رقص کنان می‌خوانند و می‌گویند که صهیون سرچشمه همه برکات است. (مزامیر باب ۸۶، آیه ۵ و ۷ صفحه ۶۷۷، کتاب مقدس)

شما در نزد خداوند یک قوم مقدس هستید و خدایتان شما را از بین تمام اقوام روی زمین برگزید تا قوم خاص او باشند. (خروج، باب ۳۴، آیه ۶، صفحه ۲۰۲، کتاب مقدس)

بدون شک دشمنی یهودیان نسبت به سایر ملل و اقوام، از تورات اصلی سرچشمه نگرفته است بلکه شخصیت آشوب طلبی مشتی یهودی افراطی، آنان را تا تحریف کتاب مقدس پیش رانده است. (هال سل، ۱۳۷۷: ۵۳)

پارامترهای تاثیرگذار بر بافت سیاسی کنست

(۱) گرایش‌ات سیاسی احزاب:

بر این اساس می‌توان مجموعه احزاب راه یافته به کنست را به ۴ جناح «راست»، «چپ»، «میانه» و «مذهبی» تقسیم کرد.

۲) هویت قومی و نژادی احزاب:

بر این اساس نیز می توان مجموعه احزاب حاضر در کنست را به نمایندگان ۲ گروه از هویت های «قومی» و «نژادی» تقسیم کرد. «هویت های نژادی» بیانگر مرزهای تمایز بخش ۲ گروه نژادی (یهودی و عرب) است و «هویت های قومی» بیانگر تقسیم بندی های داخلی هر یک از گروه های نژادی برای یهودیان می باشد.

۳) ایستارهای عقیدتی احزاب:

در این رابطه می توان به ۲ گروه از ایستارهای رقیب «سکولار- مذهبی» و «صهیونیست - ارتدوکس» اشاره کرد. بر اساس معیار نخست، احزاب راه یافته به کنست را به ۲ گروه از احزاب سکولار (لیکود، کارگر، کادیم، اسرائیل-ب یتینو، اتحاد ملی و میرتص) و احزاب مذهبی (شاس، یهدوت هتوراه، و خانه یهودی- حزب ملی مذهبی) می توان طبقه بندی کرد. بر اساس معیار دوم، احزاب حاضر در کنست همزمان با پذیرش معیار نخست به ۲ گروه از احزاب «صهیونیست» (لیکود، کارگر و کادیم و ...) و احزاب «ارتدوکس» (یهودوت هتوراه و تا حدودی شاس) تقسیم می شوند.

۴) وزن انتخاباتی:

وزن انتخاباتی یا تعداد کرسی هایی که یک حزب برای موافقت یا مخالفت با تصمیمات پارلمانی در اختیار دارد، نقش مهمی در موفقیت یا شکست آن حزب در فرایند تصمیم گیری های پارلمانی، و پیشبرد یا توقف یک تصمیم در کنست خواهد داشت.

- پتانسیل کسب رهبری سیاسی:

در این رابطه می‌توان به ۲ گروه از احزاب «توانمند» و «ناتوان» از کسب رهبری سیاسی طبقه بندی کرد. در رابطه با توانایی احزاب در تشکیل ائتلاف حکومتی می‌توان از تعامل پارامتر پنجم با «وزن انتخاباتی» احزاب استفاده کرد.

۶) همراهی یا مخالفت با کابینه:

ششمین پارامتر تاثیرگذار بر ترکیب سیاسی هر یک از دوره‌های کنست را نسبت احزاب حاضر در کابینه با نسبت احزاب خارج از آن تشکیل می‌دهد. بر این اساس نیز می‌توان مجموعه احزاب حاضر در کنست را به ۲ گروه از احزاب «حاکم» و «اپوزیسیون» طبقه بندی کرد.

- نظام سیاسی رژیم صهیونیستی

اسرائیل، رژیمی توسعه‌یافته و نوع حکومت آن، جمهوری پارلمانی است. این رژیم دارای نظام پارلمانی و حق رأی عمومی است. در این رژیم، رئیس جمهور مقامی تشریفاتی است و نخست‌وزیر به عنوان رئیس دولت و کنست به عنوان شاخه قانون‌گذار عمل می‌کند.

رویکرد، ویژگی‌ها و جایگاه احزاب سیاسی در رژیم صهیونیستی

در اسرائیل احزاب بازیگران اصلی در صحنه‌ی سیاسی هستند. این احزابند که تعیین‌کننده نوع زندگی، جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی در اسرائیل هستند. در رژیم صهیونیستی هر حزبی که بیش از نیمی از کنست را در دست گیرد می‌تواند کابینه را تشکیل دهد و در غیر این صورت با ائتلاف با احزاب دیگر کابینه تشکیل می‌شود و ریاست جمهوری که پستی کاملاً تشریفاتی است از سوی کنست و برای مدت ۵ سال انتخاب می‌گردد.

الف) اردوگاه چپ‌گرایان

در این اردوگاه آن دسته از احزاب سیاسی قرار دارند که دارای ویژگی هایی از قبیل اعتقاد به اصول سوسیالیستی، پیروی از نظام لائیک و غیردینی و خواهان صلح با فلسطینیان و کشورهای عربی در قبال عقب نشینی از تمام یا بخشی از سرزمین های اشغالی اند. از جمله احزاب مطرح اردوگاه چپ گرایان می توان به احزاب میرتس، مبام، راتس و شینوی اشاره کرد.

ب) اردوگاه راست گرایان یا افراط گراها

معتقد به اصول سرمایه داری و دارا بودن گرایشات دینی قوی تر نسبت به جناح چپ. این اردوگاه شامل کلیه احزاب سیاسی رژیم صهیونیستی است که با هر نوع عقب نشینی از مناطق اشغالی مخالف و خواهان الحاق زودهنگام این مناطق به اسرائیل هستند. از احزاب مطرح این اردوگاه نیز می توان به احزاب لیکود، هتخیا، تسومت، یعود، مولیدت و کاخ اشاره کرد.

ج) اردوگاه مذهب گرایان

اعضای این جناح گرایشات شدید دینی دارند. در اسرائیل مذهب گرایان به دو بخش عمده تقسیم می شوند: مذهب گرایان صهیونیستی و مذهب گرایان افراطی. هر دوی این گروه ها به جناح ارتدوکسی یهودیت وابسته اند. در صحنه ی سیاسی اسرائیل، حزب مفدال نماینده مذهب گرایان صهیونیستی و احزاب اعوادات اسرائیل، دیغل هتوراه و شاس نماینده مذهب گرایان افراطی اند.

پ) احزاب عرب

فلسفه وجودی این احزاب بیشتر برای حضور اعراب در صحنه انتخابات و قانونی برای گردآوری اعراب اسرائیل است. (اعراب ساکن در مناطق اشغالی ۱۹۴۸) تا بدین طریق رژیم صهیونیستی از خود چهره ای دمکراتیک در جهان به نمایش بگذارد.

مهم‌ترین احزاب عرب عبارت‌اند از: حزب دموکراتیک عرب، تجمع دموکراتیک ملی و جنبش تحول‌خواه عرب.

دولت یهودی و هرتزل

تئودور هرتزل که در متون سیاسی معاصر، بنیانگذار نهضت صهیونیسم تلقی می‌شود، در کتابش به نام **دولت یهود**، با اعلام این مطلب که مسئله یهود بیش از آنکه یک مسئله مذهبی باشد یک مسئله ملی است و یهودیان در کشورهای خود برای همیشه به عنوان بیگانه نگریسته می‌شوند، از آرمان احیای یک دولت یهودی سخن گفته است. او معتقد بود که یهود، یک ملت بدون سرزمین و فلسطین، سرزمینی بدون ملت است. (سوکولوف ۱۳۷۷: ۱۳)

هرتزل در کتاب خود، صراحتاً پیشنهاد تشکیل دولت مستقل یهودی را مطرح می‌کند که در آن زمان، پیشنهادات مختلفی برای آن داده می‌شد، اما هرتزل که به فلسطین نظر داشت درباره فلسطین چنین گفته است: «ما در آنجا باید بخشی از برج و بارو و استحکامات اروپا علیه آسیا را تشکیل دهیم و یک برج دیده بانی تمدن علیه وحشیگری بسازیم» (Herzel, 1896, p.69).

هرتزل با استخراج صهیونیسم حیطة کنیسه و اجتهادات دینی آن را به شکل یک حرکت سیاسی فرمول بندی کرد. لذا به منظوره اجرای افکار خود، صهیونیست‌ها را به شرکت در بخش کنگره صهیونیسم دعوت نمود. هرتزل در کنگره اعلام کرد «ما سنگ بنای خانه‌ای را می‌گذاریم که امت یهود را در برخواهد گرفت ... صهیونیسم تلاش می‌کند وطنی برای ملت یهود در فلسطین ایجاد نماید. وطنی که قانون بین‌الملل آن را ضمانت کند و آشکارا آن را به رسمیت شناسد.

هرتزل بر این مسئله که جذب یهودیان در جامعه رویایی غیر ممکن است، به مسئله جذب یهودیان کشورهای اروپایی اشاره می‌کند و معتقد است که جریان "آنتی

سمیتیزم" که در اروپا شایع بود، به این ترتیب پایان خواهد یافت. (جریس و خلیفه، ۱۳۸۱: ۵۱۸-۵۲۰)

سازمان صهیونیسم

پس از مشخص کردن چهارچوب‌های نظری و تشکیلاتی، یک مکانیسم سازمانی اجرایی لازم بود تا اهداف صهیونیسم را که در برنامه بال روشن شده بود به منصف ظهور برساند و با این اوصاف فعالیت سازمان صهیونیسم چند سال بعد از نخستین کنگره صهیونیسم گسترش یافت. سازمان در راستای اجرای طرح‌های شهرک‌سازی چند مؤسسه مالی تأسیس کرد.

اعلامیه بالفور

در دوم نوامبر ۱۹۱۷، آرتور جیمز بالفور، وزیر خارجه بریتانیا این اعلامیه را خطاب به لورد رولچید، صادر کرد. در قسمتی از آن آمده است: «در دولت انگلستان، تأسیس وطن ملی برای یهودیان را در فلسطین با نظر موافق تلقی می‌کند و برای رسیدن به این هدف مساعی حسنه خود را به کار خواهد برد. مشروط بر اینکه هیچ اقدامی که به حقوق و موقعیت سیاسی یهودیان در کشورهای دیگر لطمه نزند». (کوئیگلی، ۱۳۷۲: ۸)

قیومیت

با پایان جنگ جهانی اول که منجر به شکست امپراطوری عثمانی و پیروزی متفقین گردید بسیاری از سرزمین‌های این امپراطوری، تحت سلطه قدرت‌های فاتح اروپا قرار گرفتند. بین النهرین (عراق) و فلسطین به عنوان تحت الحمایه به انگلستان داده شد و لبنان و سوریه به همین عنوان به فرانسه سپرده شد. (المسیری، ۱۳۸۶: ۱۳۰)

جامعه ملل بر این تقسیم مهر تأیید نهاد و به انگلستان و فرانسه حق قیومیت داد تا با اراده این سرزمین‌ها، زمینه استقلال آنها را در آینده فراهم سازند. سیستم قیومیت به طور مؤثر، تنها در فلسطین به مرحله اجرا درآمد و بیش از ۲۵ سال، اداره فلسطین را تحت قیومیت انگلستان قرار داد.

در خلال دوره قیومیت، جمعیت یهودیان به چندین برابر افزایش یافت. به طوریکه از ۵۶۰۰۰ نفر نفر در سال ۱۹۱۸ شمار یهودیان در فلسطین به هشتاد و سه هزار و هفتصد و نود چهار نفر در ۱۹۲۲ و به صد و هفتاد و چهار هزار و ششصد و ده نفر در ۱۹۳۱ و به ششصد و هشت هزار و دویست و سی نفر در سال ۱۹۴۶ رسید. (احمدی، ۱۳۸۹: ۲۰۲)

طرح تقسیم و پایان قیومیت انگلستان

مسئله فلسطین به مجرد تأسیس سازمان ملل توسط انگلستان به مجمع عمومی احاله شد. کمیته‌ای در خصوص موضوع فلسطین در نخستین نشست ویژه مجمع عمومی در آوریل ۱۹۴۷ تشکیل شد. بیشتر اعضاء توصیه کردند که فلسطین به دو دولت عربی و یهودی تقسیم و موقعیتی بین‌المللی برای شهر بیت‌المقدس تحت مدیریت سازمان ملل تعریف بشود. مجمع عمومی پس از دو ماه بحث و بررسی در دومین نشست عادی خود در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ قطعنامه ۱۸۱ را تصویب کرد که با تغییرات اندکی طرح تقسیم را که از سوی اکثریت اعضای کمیته ویژه فلسطین رایه شده بود، پذیرفت و پایان قیومیت انگلستان اعلام شد و رهبران احزاب و گروه‌های یهودی و صهیونیستی در شبانگاه مه ۱۹۴۸ در گردهمایی خود، ایجاد دولتی یهودی در فلسطین را اعلام کردند.

قبل از اینکه بخواهیم در خصوص موانع استقلال دولت فلسطینی به تجزیه و تحلیل داده‌ها بپردازیم لازم است، ابتدا مفهوم و عناصر سازنده دولت را به لحاظ نظری از دیدگاه حقوق بین‌الملل و علوم سیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم و سپس با تأکید بر آن مباحث، شرایط استقلال و اقتدار دولت فلسطینی را مشخص نماییم.

مفهوم دولت

مفهوم دولت (state) تا سده شانزدهم، رواج سیاسی نیافته بود. نخستین کاربرد آن در بحث علمی به ماکیاولی (۱۲۵۲۷-۱۴۶۹) نسبت داده می‌شود که تبلور آن را تاکنون در شکل "دولت‌های ملی" مشاهده می‌کنیم. در مفهوم نوین دولت، واحدهای سیاسی در صورتی دولت به شمار می‌روند که از استقلال بهره‌مند باشند. به عقیده «گارنر» دولت اجتماع انسان‌ها کم و بیش زیادی است که سرزمینی را در تصرف دائمی خود دارند، از کنترل خارجی مستقل‌اند و حکومت سازمان یافته‌ای دارند که بیشتر ساکنان آن سرزمین از آن تبعیت می‌کنند. (عالم، ۱۳۷۳: ۱۳۶)

- عناصر اصلی دولت

الف- مردم یا جمعیت (ملت)

عنصر اولیه و بنیادی سازنده دولت، مردم هستند. به طوریکه دولت را بدون مردم نمی‌توان تصور کرد. بارکر حقوقدان برجسته انگلیسی ملت را اینگونه تعریف می‌کند.

«ملت یک هیأت از افراد انسانی است که در یک سرزمین معین سکونت گزیده‌اند و در اثر زندگی کردن در آن سرزمین مشترک با هم، دارای علایق و احساسات مشترک، زبان مشترک و فرهنگ مشترک شده و متحد شده‌اند». (عالیخانی ۱۳۷۵: ۵۲)

آنها دلبستگی زیادی به سرزمینی دارند که به طور مشترک در آن برای سالیان متمادی زندگی کرده‌اند چیزی که در ادبیات سیاسی، آن را «پاتریوتیسم» یا وطن پرستی می‌نامند. این مسأله باعث به وجود آمدن نظریه «یک دولت، یک ملت» شده است. جان استوارت میل معتقد است. (هر جا که حس ملیت با هر شدتی وجود داشته باشد، نشان اولیه اتحاد همه اعضای آن ملیت، ایجاد یک حکومت جداگانه برای خودشان است. (عالم، ۱۳۷۳: ۱۵۹)

ب- سرزمین

سرزمین مکانی است جغرافیایی که اولاً برای سکونت گروه انسانی و ثانیاً برای اعمال حاکمیت دولت - کشور ضروری می‌باشد صلاحیت سرزمینی از حقوق انحصاری دولت است تا کلیه وظایف و کارویژه متعلق به دولت را در چارچوب آن سرزمین اعمال کند. (قاضی، ۱۳۷۵: ۶۲)

ج- حکومت

ابزار سازماندهی و مدیریت نظام داخلی و نمایندگی خارجی هر جامعه را حکومت تشکیل می‌دهد. حکومت، کارگزاری است که بدان وسیله اراده دولت متبلور می‌شود. (سیف زاده، ۱۳۷۸: ۹۹)

د- حاکمیت

در دوران جدید تعریف حاکمیت تغییر اساسی کرده است که در زیر به دو مورد اشاره می‌شود: آرپی آناند حاکمیت را به شرح زیر تعریف کرده است:

حاکمیت عبارت است از قدرت عالی یک دولت در قلمرو خود اما در چارچوب قواعد مشخص حقوق بین‌الملل که جنبه الزامی دارند. (میرزایی ینگجه، ۱۳۷۳: ۴)

دائرة المعارف حقوق بین‌الملل تعریف زیر را از حاکمیت ارائه می‌کند:

«حاکمیت در حقوق بین‌الملل معاصر، بیانگر وضعیت حقوقی یک دولت در صحنه بین‌المللی است که صلاحیت آن دولت در قلمروش نمی‌تواند از سوی دیگر دولت‌ها مورد سؤال و مداخله واقع شود. این حاکمیت با موازین بین‌الملل محدود می‌شود». (همان)

با توجه به آنچه که گفته شد نشان می‌دهد که هنوز یک دولت مستقل به نام فلسطین تشکیل نشده است چون مواردی که به نام حاکمیت برشمردیم در اختیار یک دولت مستقل نمی‌باشد، بلکه توسط یک دولت اشغالگر دیگر مورد نقص، تهاجم و حمله قرار می‌گیرد و عملاً حاکمیت آن مورد خدشه وارد می‌شود، و سرزمین، و جمعیت که اصلی‌ترین نماد تشکیل یک حکومت می‌باشند مورد اشغال و آوارگی قرار گرفته است. به هر حال تشکیل دولت مستقل فلسطینی هنوز با چالش جدی مواجهه است و هر روز به بعد تاریخ آن افزوده می‌شود و وضعیت روشن و امیدوار کننده‌ای مشاهده نمی‌شود.

مسئله دولت مستقل فلسطین

بر اساس قرارداد اسلو موعد برپایی دولت مستقل فلسطینی، ۱۳ سپتامبر سال ۱۹۹۹ تعیین گردید. اما هنگامی که حکومت خودگردان در ۴ مه ۱۹۹۹ خبر از تشکیل دولت فلسطینی در موعد مقرر را داد، اسرائیل با این امر مخالفت کرد و آن را منوط به حل و فصل نهایی مسائل باقی مانده در قرارداد اسلو کرد و بر اثر فشارهای وارده بر تشکیلات خود گردان، این تشکیلات از اعلان دولت مستقل فلسطینی خودداری کرد تا به امروز هم این امر محقق نشده است.

برای تحقق چنین فرایندی لازم است، راه‌حلهایی برای مسائل موکول شده به مذاکرات نهایی شامل شهرک‌ها، آوارگان، مرزها، آب و بیت المقدس یافت شود که حق تعیین سرنوشت فلسطینیان را نقص نکند و استقلال آن دولت را، چنانکه قواعد و معیارهای حقوقی نیز بر آن حکم می‌کند، زیر سؤال نبرد از آنجایی که مواضع و عملکردهای حکومت‌های مختلف اسرائیل، اعم از چپ و راست، در خصوص مسائل فوق الذکر در تقابل با استقلال و حق تعیین سرنوشت فلسطینیان ارزیابی می‌شود، نگارنده این رویکرد را تحت عنوان «رویکرد بنیادگرایی یهود در قضیه فلسطین» تعبیر نموده چون هیچگاه رژیم اشغالگر بنا را بر آن نگذاشته است حق واقعی و قانونی مردم فلسطین

و حتی به صورت حداقلی به رسمیت بشناسد و فلسطینیان را متجاوز و خشونت طلب و تروریست می‌داند. (Amirzad, 1997, p. 91)

موانع اصلی تشکیل دولت مستقل فلسطینی و تحقق صلح

مسئله بیت المقدس (قدس)

شاید بتوان گفت که مسئله قدس مهمترین مسئله در مناقشه اسرائیل و فلسطینی‌ها می‌باشد. زیرا جوهره نزاع است و در طول چندین دهه کشمکش اعراب و اسرائیل، بسیار حساس و پیچیده شده است. قدس شرقی که در سال ۱۹۶۷ به اشغال اسرائیل درآمد، از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول، بخشی است که مسجدالاقصی، کلیسای القیامه و محله‌های مسلمان‌نشین و مسیحی‌نشین در آن واقع است. بخش دوم، مجموعه‌ای از شهرک‌هایی مثل «الشیخ جراح» و «المصراره» «خیابان صلاح الدین» و غیره می‌باشد. در بخش اول اسرائیل خواستار حاکمیت بر مسجدالاقصی و محله‌های اسلامی و مسیحی است و فقط موافق است که فلسطینی‌ها بر حرم شریف و بر مجمعی که اداره شهرک‌های اسلامی را بر عهده دارد، نظارت داشته باشد. در بخش دوم، اسرائیل خواستار حاکمیت خود بر این منطقه و شهرک‌های فلسطینی است، اما روستاهای اطراف شهر قدس به استثنای دو روستا- تحت حاکمیت فلسطین خواهد بود. (رشیدی، ۱۳۷۹: ۵۳-۵۴)

- فلسطینی‌ها تمام خواسته‌های اسرائیل را رد کرده و بر بازگرداندن کامل قدس شرقی به خود و تحت حاکمیت دولت فلسطین اصرار می‌کنند. در جامعه داخلی اسرائیل در سطح کلیه احزاب، در مورد این ایده که بیت المقدس به صورت یکپارچه پایتخت ابدی اسرائیل است اجماع وجود دارد. (الحسن، ۱۹۹۸: ۱۵)

- شمیون پرز در تاریخ ۱۹۹۴/۵/۲۸، زمانی که وزیر خارجه دولت اسحاق رابین بود، می‌گوید: قدس همچنان به عنوان پایتخت یکپارچه اسرائیل باقی خواهد ماند ما اجازه

نخواهیم داد، قدس به برلین دیگری مبدل شود. وضعیت قدس به هیچ عنوان قابل مذاکره نیست. (قانعی، ۱۳۸۶: ۳۵)

مسئله مرزها

اسرائیلی‌ها خواستار مالکیت بر ۱۵ تا ۱۰ درصد کرانه باختری رود اردن و بحرالمتیت بوده و همچنین خواستار ضمیمه نمودن ۵ تا ۱۰ درصد سرزمین‌های کرانه غربی به سایر مناطق تحت اشغال خود بودند فلسطینی‌ها با تمامی این درخواست‌ها مخالفت نموده و فقط با تعدیل و با تبادل‌هایی در مرزها موافقت کردند که حجم آنها بیشتر از ۲ درصد نخواهد شد. (رشیدی، ۱۳۷۷: ۵۲)

در مورد تشکیل دولت مستقل فلسطینی، نتانیاهو در کتاب خود می‌گوید:

«در هر حال ادعای تشکیل دولت فلسطینی در خاورمیانه نه تنها یک خطر جدید علیه اسرائیل و ثبات و امنیت خاورمیانه بلکه خطری برای کل جهان است. این نکته جای تردید ندارد که هر گونه سازش میان اعراب و اسرائیل، لزوماً باید متضمن سیادت و برتری یهود بر اعراب فلسطینی باشد. پاسخ ما به اعراب آن است که ما سرزمین بیگانه را نگرفته ایم، بلکه میراث پدران خود را به دست آورده ایم که دشمنان آن را غصب کرده بودند و اکنون به قدرت رسیده‌ایم و حق خود را باز پس گرفته‌ایم.» (Netanyahu, 2000, p.45)

بررسی دیدگاه‌های احزاب مختلف در اسرائیل

- اردوگاه چپ گرایان

جناح چپ که نیروهای سوسیالیست در آن قرار دارند، خواهان صلح با اعراب و فلسطین و عقب نشینی از تمام یا جزئی از مناطق اشغالی‌اند و با توجه به همین مسئله،

نیروهای سیاسی اعراب در این احزاب فعال‌اند، اگر چه از نظر موانع اقتصادی و اجتماعی با هم متفاوت‌اند. همچنین حزبی مانند «شینوی» که در اصل حزب لیبرال است با توجه به دیدگاه خود در مورد سرزمین‌های اشغالی در این گروه جای می‌گیرد. اکثر اعضای احزاب چپ را اشکنازی‌های مرفه و یا متوسط جامعه تشکیل می‌دهند.

- احزاب چپ

حزب کار: از ادغام سوسیالیسم یهودی و ملی‌گرایی یهودی اروپا جنبش صهیونیستی «کار» به وجود آمد.

دیدگاه حزب کارگر در مورد فلسطین و فلسطینیان به شرح زیر می‌باشد:

آمادگی برای مذاکره با «شخصیت‌ها و تشکیلاتی از فلسطینیان که اسرائیل را به رسمیت می‌شناسد. باقی ماندن شهر بیت المقدس به طور کامل تحت حاکمیت اسرائیل، باقی ماندن بعضی مناطق حیاتی در دست اسرائیل مانند حومه شهر بیت المقدس و غوش عتیسون، که اکثریت جمعیت آنها غیر عربند. (ماضی، ۱۳۸۱: ۷۷)

- حزب راتس

حزب راتس جهت‌گیری اصلاح طلبی صهیونیستی دارد. راتس در زمینه داخلی به مبارزه با اجبار مذهبی و دفاع از حقوق اساسی بشر که مورد تأیید جهانی است تأکید می‌نمود. در زمینه امنیت و سیاست خارجی، حزب خواستار عقب نشینی از بیشتر مناطق اشغالی در برابر صلح و ترتیبات قاطع امنیتی و نیز خواهان توفیق اسکان یهودیان مهاجر و به رسمیت شناختن حق ملت فلسین در تعیین سرنوشت خود است (همان).

- اردوگاه راست‌گرایان

حزب لیکود

لیکود حزبی است که تعلقات سرزمینی ویژه‌ای داشته و به طور کلی علاقمند به مسائل و موضوعات سرزمینی می‌باشد. دیدگاه‌های این حزب که در سال‌های اخیر مطرح شده است به شرح زیر می‌باشد:

حقوق ملت یهود در سرزمین اسرائیلی ازلی و خدشه ناپذیر می‌باشد. خواستار امنیت و صلح برای یهودیان است؛ عدم تشکیل دولت مستقل فلسطینی بدین معنا که تشکیلات خودگردان مفهوم دولت نیست و دارای تمامیت ارضی نبوده و حق تعیین سرنوشت ندارد. (خلیفه، ۱۳۸۰: ۵۰)

- حزب هتچیا

ایده‌های اساسی این حزب ایده سرزمین یکپارچه اسرائیل؛ تأکید بر اهمیت تورات و فرهنگ یهودی در ساختن ملت، طلایه داری در مهاجرت به اسرائیل و آمادگی برای پذیرش و تحمل سختی‌ها و فداکاری در راه تأسیس وطن ملی یهود، تکیه بر نیروهای نظامی به منظور دفاع از فلسطین؛ عدم اعتماد به فلسطینیان و اعراب و عدم امکان دستیابی به صلح با آنان در آینده ای قابل پیش بینی می‌باشد. (بیات، ۱۳۷۹: ۵۰)

- حزب مولیدت

مولیدت(میهن) یک حزب راست‌گرای به شدت قومیت‌گرا و از دشمنان سرسخت فلسطینیان و اعراب است. دیدگاه‌ها و مواضع حزب مولیدت به شرح زیر است:

مولیدت به لحاظ فکری، در بیشتر مواضع مشترکی با افراطی‌ترین احزاب جناح راست دارد از جمله اینکه: شهر بیت المقدس یک پارچه پایتخت همیشگی اسرائیل است. مخالفت با هر نوع عقب نشینی از اراضی اشغالی گسترش عملیات شهرک سازی در اراضی اشغالی، به رسمیت نشناختن ملت فلسطین و بی اعتنایی نسبت به تمامی حقوق

و خواسته‌های او، خودداری از به رسمیت شناختن ساف یا مذاکره با آن، مخالفت مطلق با هر نوع خودمختاری فلسطینیان می‌باشد. (همان: ۷۶)

- اردوگاه دینی

به طور کلی دینداران در اسرائیل به دو دسته تقسیم می‌شوند. دینداران صهیونیست، و دینداران تندرو. احزاب مفدال و میماد در حوزه سیاسی اسرائیل دسته اول را نمایندگی می‌کنند و آگودات یسرائیل و دیگل هتوراه و حزب شاس دسته دوم را نمایندگی می‌کنند. (شیردل، ۱۳۷۸: ۱۶۰)

- حزب مفدال: مفدال (حزب دینی ملی)

حزبی دینی صهیونیستی و به لحاظ ناسیونالیستی بسیار افراطی است.

اهم برنامه‌های حزب مفدال به شرح زیر می‌باشد:

- تضمین امنیت کامل و پایدار برای افراد و دولت و مبارزه بی امان برای پایان دادن به تروریسم در درون و مرزهای اسرائیل.

- در فاصله رود اردن و دریای مدیترانه فقط دولت اسرائیل قرار دارد و هرگز اجازه تشکیل یک دولت فلسطینی داده نخواهد شد.

- قدس یکپارچه، پایتخت ابدی ملت و دولت اسرائیل است و هرگز تقسیم نخواهد شد. (خلیفه، ۱۳۸۰: ۱۱۱-۱۰۹)

- حزب آگودات اسرائیل (انجمن اسرائیل)

آگودات اسرائیل یک حزب سیاسی مذهبی و مخالف صهیونیسم است که در سال ۱۹۱۲ توسط رهبران مذهبی سنتی کشورهای آلمان، لیتوانی، مجارستانی، لهستان در لهستان تشکیل شد و وابسته به جریان ارتدوکسی یهود می‌باشد. (همان: ۲۲۹)

آگودات اسرائیل، اندیشه صهیونیسم را که مبتنی بر تفکر قومی سکولاریستی بوده (اندیشه‌های مانند لیبرالیسم، سوسیالیسم و غیره) و نیز دعوت صهیونیست‌ها از یهودیان

به ترک زندگی در « تبعید» و مهاجرت به فلسطین و تأسیس دولت و جامعه مدرن بر مبنای اصول نوین را کفر و خروج از این دانسته و موجب تخریب مبانی مادی و معنوی زندگی طوایف یهودی در جهان و نوعی سرپیچی از اراده و مشیت الهی می‌داند. (همان: ۲۳۵-۲۳۰)

نتیجه‌گیری:

آنچه که بیان شد نشان می‌دهد که صهیونیسم خود را به عنوان یک حاکمیت و دولت که بر همه شئون سرزمین اشغالی مسلط باشد مطرح می‌نماید. البته در مقابل مردم فلسطین، هیچگاه از تلاش برای تحقق موجودیت مستقل فلسطین باز نایستاده است. نتیجه این ایستادگی که در سال ۱۹۴۷، فلسطینیان موفق شدند که موافقت قریب به اتفاق اعضای مجمع عمومی را برای حضورشان بر سازمان ملل به عنوان عضو ناظر به دست آورند. که از آن سال حق تعیین سرنوشت، و ایجاد کشور فلسطینی در دستور کار سازمان ملل قرار گرفت اما اسرائیل با آن مخالفت کرده و تا به حال هم این امر محقق نشده است البته توافق نامه‌هایی که بعد تصویب شد هیچکدام بر مسائلی از قبیل دولت مستقل فلسطینی، مرزهای حکومت فلسطینی، شهرک‌های یهودی نشین، حق بازگشت و پرداخت غرامت به آوارگان فلسطینی، موقعیت بیت‌المقدس، نحوه تقسیم آب که ارتباط مستقیمی با مسئله استقلال فلسطینیان دارد اشاره نکرده‌اند. مهمترین عنصر و اوج قدرت سیاسی، حاکمیت است که حاکمیت بر سرزمین، حاکمیت بر ساکنان، حاکمیت بر منابع، حق دفاع از حاکمیت در مقابل نیروهای خارجی، در اختیار داشتن نیروهای مسلح و ارتش ملی، ایفای نقش فعال در نظام بین‌المللی، داشتن سیاست خارجی مستقل را در بر می‌گیرد ولی دولت فلسطینی هیچکدام از این ویژگی‌ها و اختیارات را دارا نیست.

منابع :

کتاب

- المیسری، عبدالوهاب (۱۳۷۶)، *صهیونیسم*، ترجمه لورا رودباری، تهران: انتشارات وزارت خارجه
- احمدی، حمید (۱۳۶۹)، *ریشه‌های بحران در خاورمیانه*، تهران: انتشارات کیهان
- خلیفه، احمد (۱۳۸۴)، *نظام حزبی و احزاب سیاسی در اسرائیل*، ترجمه حسین موسوی، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه
- سعیدی، جعفر (۱۳۶۱)، *فراماسونری یهود*، تهران: انتشارات علمی فرهنگی
- سیف زاد، حسین (۱۳۷۸) *اصول روابط بین الملل (الف)*، تهران: نشر راد گستر
- سوکولوف، ناهوم (۱۳۷۷)، *تاریخ صهیونیسم*، جلد یک، ترجمه داود حیدری، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- شیردل، پروین (۱۳۸۷)، *جایگاه دین یهود در نظام سیاسی اسرائیل*، تهران: انتشارات اندیشه سازان نور
- صبری جریس و احمد خلیفه (۱۳۸۱)، *ساختارهای صهیونیستی*، ترجمه قیس زعفرانی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی
- عالیجانی، محمد (۱۳۷۵)، *حقوق اساسی*، تهران: انتشارات دستان
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۵)، *بایسته های حقوق اساسی*، تهران: نشر دادگستر
- کوئیگلی، جان (۱۳۷۲)، *فلسطین و اسرائیل: رویارویی عدالت*، ترجمه سهیلا ناصری، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- ماضی، محمد (۱۳۸۱)، *سیاست و دیانت در اسرائیل*، ترجمه، غلامرضا تهامی، تهران: انتشارات اندیشه سازان نور
- میرزایی‌ینگجه، سعید (۱۳۷۳)، *تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه

- هال، سل (۱۳۷۷)، تدارک جنگ بزرگ: بر اساس پیشگویی انبیای بنی اسرائیل، ترجمه خسرو اسدی، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا

مقالات

- الحسن، بلال (۱۹۹۸)، اسرائیل و مسائل حل و فصل نهایی، مجله نداء القدس، سال دوم

- بیات، ناصر (۱۳۷۹)، مواضع و عملکرد نتانیاهو در قبال روند صلح خاورمیانه، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، سال سوم

- پیرنانی، محسن (۱۳۸۲)، مجله بازتاب اندیشه در مطبوعات روز ایران، شماره ۴۷
- رشیدی، احمد (۱۳۷۷)، طرح اسرائیل برای گسترش محدوده بیت المقدس، فصلنامه خاورمیانه، سال پنجم، شماره ۴

- (۱۳۷۹)، روند صلح اسلو و موانع شکل‌گیری کشور مستقل فلسطینی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هفتم، شماره ۴

- قانع، محسن (۱۳۷۶)، سرنوشت بیت المقدس، دیدگاه ها و تحلیلها، سال یازدهم

منابع انگلیسی:

- Amrizad, Abu, (1997), **The Palestinian legislative Council**. Gournal of plalstione studies. Volxxvi. No 4 (summer)
- Herzel, Hteodor, (1896), **The Jewish state. Translated by Sylvied Avigdor**, London: Nutt
- Netanyahu, Benyamin, (2000), **Adurable peace. Isrel and place among the nations**, New York: warner book

منابع اینترنتی:

www. Mouood. Ovg
www. Csr. Ir
www. Antizionism. Blogfa. Com
www. Washinton post. Com